



ارائه الگوی مفهومی مدیریت سود مبتنی بر روش نظریه داده بنیاد چند وجهی

مریم فرودی^۱
رضوان حجازی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۶

چکیده

هدف از مقاله حاضر ارائه الگوی مدیریت سود با توجه به شرایط کشور ایران می‌باشد. در این رابطه پژوهش حاضر به کمک روش کیفی نظریه داده بنیاد چند وجهی و از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته با ۱۴ نفر از خبرگان حرفه حسابداری ایران که به روش نمونه‌گیری نظری انتخاب شده است، موفق به ارائه الگوی مدیریت سود که در برگزیده شرایط علی، مداخله‌گر، بسترساز و راهبردهای مربوط به مدیریت سود و پیامدهای آن گردید. پیش از این تحقیقات برای مدل‌سازی مدیریت سود با روش‌های مقداری انجام گرفته است و استفاده از روش‌های کیفی در معرفی عوامل مؤثر و انگیزه‌های مدیران در مدیریت سود در ایران مورد توجه واقع نگردیده است؛ و این مورد هم از نظر دانش افزایشی و هم توسعه نظریه‌ای موجود در حوزه مدیریت سود بی‌تأثیر نیست.

واژه‌های کلیدی: نظریه داده بنیاد، نظریه داده بنیاد چند وجهی، مدیریت سود تعهدی، مدیریت سود واقعی.

۱- گروه حسابداری، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، ایران.

۲- گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. نویسنده مسئول. Hejazi33@gmail.com

۱- مقدمه

یکی از نگرانی‌های عمده علی‌رغم کنترل‌هایی که توسط قوانین و مقررات متعدد مقرر شده، مدیریت سود می‌باشد. مدیریت سود نقطه مقابل حقیقت است بنابراین به نظر می‌رسد برای یادگیری گفتن حقیقت به منظور درک انگیزه‌های مدیریت سود مفید است. مدیران ممکن است انگیزه‌هایی برای جلوگیری از مدیریت سود داشته باشند زمانی که انتظار مزایای بیشتر و هزینه‌های کمتری بعد از افشای سود واقعی دارند (ال دیری^۱، ۲۰۱۸). اغلب، محققان انگیزه‌ها را به سه دسته (۱) شرایط قرارداد بین شرکت و ذینفعان؛ (۲) قیمت سهام و شرکت و (۳) برخورد با نمایندگان قانون تقسیم کرده‌اند (ایگم، ۲۰۰۲). از آنجا که پدیده مدیریت سود به‌طور مستقیم قابل اندازه‌گیری نیست، اهمیت تبیین مدلی مناسب برای کشف و اندازه‌گیری آن که مبتنی بر روش کیفی باشد، بسیار حائز اهمیت است. تمامی مدل‌های برآورد مدیریت سود که تاکنون ارائه شده‌اند، مقداری و متناسب با شرایط کشورهای غربی می‌باشند، در حالی که رویه‌های حسابداری ممکن است تحت تأثیر عوامل محیطی متعددی نظیر فرهنگ، مذهب، سیستم‌های قانونی، قوانین مالیاتی، وابستگی‌های سیاسی و اقتصادی کشورها، سطح آموزش، سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی و منابع تأمین سرمایه از یک کشور به کشور دیگر متفاوت باشند (مرادی، ۱۳۹۴)؛ بنابراین ممکن است مدل‌هایی که به‌منظور برآورد مدیریت سود در سایر کشورها ارائه شده‌اند، بر پیش‌فرض‌هایی استوار باشند که در ایران مصداق ندارند. لذا، با توجه به ماهیت پیچیده مدیریت سود، شرکت‌ها با عنایت به شرایط و انگیزه‌هایی که دارند، از الگوهای مختلفی برای مدیریت سود می‌توانند استفاده نمایند. اکثر تحقیقات صورت گرفته در ایران در حوزه مدیریت سود بر اقلام تعهد غیر اختیاری تأکید داشته است (حجازی و همکاران، ۱۳۹۵، ۷۴). درحالی‌که مدیریت سود با استفاده از روش‌های کیفی، از جامعیت بیشتری برخوردار است. همچنین از بازنگری مطالعات انجام شده، در پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر همچون پروکوئست مشهود است بررسی جامعی از عوامل تأثیرگذار بر مدیریت سود به روش کیفی صورت نگرفته و علاوه بر این در ایران تاکنون مدیریت سود با استفاده از روش‌های کیفی که همه اشکال مدیریت سود را در نظر گرفته باشد و همچنین متناسب با ویژگی‌ها و شرایط حاکم بر شرکت‌های ایرانی باشد، ارائه نگردیده است که نوآوری اصلی پژوهش حاضر می‌باشد و از معدود پژوهش‌های انجام شده در کشورهای درحال توسعه است. تا بتوان علاوه بر گسترش دانش موجود ضمن کوشش برای شناخت مفهوم آن، بستر، عوامل علی، عوامل مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای مدیریت سود شناسایی شود تا روشن شود مدیریت سود در شرکت‌ها به چه صورت و با چه هدفی و عوامل مؤثر بر مدیریت سود و روش‌های انجام مدیریت سود چیست.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

ادبیات مدیریت سود تئوری نمایندگی را به عنوان چارچوب نظری اصلی خود فرض کرده است؛ زیرا دستکاری اطلاعات حسابداری را می‌توان به عنوان نتیجه‌ای از تضاد نمایندگی معنی کرد (پیوا و همکاران، ۲۰۱۶)؛ بنابراین انگیزه‌های متفاوتی که ایجاد می‌شود ناشی از انواع متفاوتی از تضاد است. تئوری نمایندگی مبتنی بر تفکیک مالکیت و مدیر (نماینده) است. بدین معنی که نتایج در تضاد هستند و عدم تقارن اطلاعاتی بین مالک و مدیر وجود دارد. دومین نوع از تضاد نمایندگی مرتبط با ساختار مالکیت و شامل تضاد منافع و عدم تقارن اطلاعاتی بین اکثریت سهامداران که تصمیمات مدیریتی را کنترل می‌کنند و سهامداران اقلیت است؛ که مربوط به شیوه‌های مدیریت سود رو به پایین در جهت کاهش توزیع سود سهام و افزایش تأمین مالی خاص شرکت است. سومین نوع از افزایش تضاد بین سهامداران و مالیات‌دهندگان است و نوع چهارم از تضاد نمایندگی بین دولت و شرکت است دولت به بنگاه‌های خصوصی نیاز دارد تا نیازها و خواسته‌های شهروندان را مستقیماً و از طریق تولید محصولات و خدمات و غیرمستقیم از طریق تولید درآمد مالیاتی برآورده سازد. در خصوص درآمد مالیاتی علایق متفاوت و مخالفی وجود دارد و عدم تقارن اطلاعاتی وجود دارد؛ بنابراین سبب مدیریت سود کاهشی با هدف کاهش مالیات که شرکت باید برای تولید پرداخت کند می‌شود (جاوانا^۲ و همکاران، ۲۰۱۹).

۲-۱- پیشینه تحقیقات داخلی

گرچه مطالعات و بررسی‌های انجام شده در زمینه موضوع تحقیق، اکثریت مبتنی بر روش کمی می‌باشد اما در ادامه به برخی مطالعات مربوط اشاره می‌شود. در مطالعه‌ای محققان رابطه معکوس و معنادار بین اقلام تعهدی اختیاری خاص شرکت و بازده غیرعادی آتی سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران یافتند (ودیدی و ساعی، ۱۳۹۸). همچنین در پژوهشی دیگر ولی زاده لاریجانی و همکاران (۱۳۹۷) بیان نمودند که بین افشای گزارش کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی و مدیریت سود، رابطه منفی معنادار ولیکن، بین افشای گزارش کنترل‌های داخلی و هزینه‌های نمایندگی و نیز بین مدیریت سود و هزینه‌های نمایندگی رابطه معنی‌داری مشاهده نگردید. اسماعیل‌زاده و کیوان فر (۱۳۹۷) نشان دادند که استحکام مدیریت موجب کاهش مدیریت سود و همچنین سبب کاهش تأثیر منفی مدیریت سود بر ارزش شرکت می‌گردد. باغومیان و همکاران، (۱۳۹۶) نشان دادند که بین رکود اقتصادی و مدیریت سود شرکت‌ها رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد. خدای پور و همکاران (۱۳۹۷، ۱)، به این نتیجه رسیدند که

ذینفعان شرکت می‌توانند از محافظه‌کاری و مالکیت سهامداران نهادی به عنوان دو ابزار کارآمد جهت محدود کردن فرصت‌های مدیریت سود استفاده کنند. در پژوهشی دیگر سپاسی و حسنی (۱۳۹۵) بیان داشتند مدیران با سطح دینداری بالاتر توجه ویژه‌ای به مدیریت سود واقعی نسبت به مدیریت سود تعهدی دارند و هنجارهای اجتماعی مکانیزمی برای کاهش تضاد نمایندگی به وجود می‌آورد.

۲-۲- پیشینه تحقیقات خارجی

اگر چه مدیریت سود شامل بسیاری از دیدگاه‌های رفتاری است اما مطالعات کمی، در ادبیات آن از نظر کیفی مورد بررسی قرار گرفته است. به نقل از ال دیری (۲۰۱۸، ۳۸)، مشهورترین مطالعه در این حوزه مطالعه شامل مطالعه گراهام و همکاران است که با استفاده از مصاحبه عمیق از مدیران مالی، نشان دادند که بیشتر مدیران نمونه مورد نظر به منظور دستیابی به سود خود تمایل به استفاده از مدیریت سود واقعی نسبت به دستکاری ارقام تعهدی دارند. همچنین مدیران تمایل بیشتری هم به هموارسازی سود دارند. (گراهام و همکاران، ۲۰۰۵). در تحقیق دیگری دی جونگ و همکاران (۲۰۱۴)، نشان دادند که تحلیل‌گرها بر اثر مدیریت سود بر قیمت سهام شرکت معتقدند و بنابراین شرکت‌ها سود را برای تحقق معیارهای سود و افزایش ارزش شرکت مدیریت می‌کنند. علاوه بر این نایدو و پاتل به مقایسه روش کمی و کیفی برای شناسایی مدیریت سود پرداختند. تفاوت نتایج دو روش به نظرات متفاوت هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی مرتبط است بنابراین بیان نمودند نتایج حاکی از برتری مدل نیست (نایدو و پاتل، ۲۰۱۳).

سوسانتو و همکاران^۳ (۲۰۱۹) بیان نمودند که برنامه‌های مالکیت سهم کارمند، سودآوری، اندازه شرکت و سن شرکت بر مدیریت سود اثرگذارند. چو و چان^۴ (۲۰۱۸)، بیان نمودند رابطه منفی بین مدیریت سود واقعی و برخی از ویژگی‌های مدیرعامل از قبیل دوره تصدی مدیرعامل، مدیریت کمیته حسابرسی و سطح تلاش مدیریت وجود دارد. همچنین سطح بالای پاداش مدیرعامل باعث افزایش مدیریت سود واقعی می‌شود. زالاتا^۵ و همکاران (۲۰۱۸) بیان نمودند نسبت وجود کارشناسان مالی زن در کمیته حسابرسی مدیریت سود را کاهش می‌دهد. یافته‌های هوانگ و سان^۶ (۲۰۱۷) بیان‌کننده این مطلب است که مدیران با توانایی بالا کمتر درگیر مدیریت سود واقعی هستند و مدیران با توانایی برتر اثر منفی مدیریت سود واقعی را بر عملکرد آینده شرکت کاهش می‌دهند. همچنین ماکتیانتو (۲۰۱۷) پژوهشی با هدف بررسی اثر استراتژی شرکت بر مدیریت سود با استفاده از مدل استوبن ۲۰۱۰، مدل هزینه و مدل ارقام تعهدی انجام داد و نشان داد که جهت استراتژی بر رفتار مدیریت سود تأثیرگذار است. جیانگ و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی

بیان نمودند در صورتی که رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل یکی باشد این امر باعث می‌شود که صورت‌های مالی را بر اساس دانش حرفه‌ای خود دستکاری کنند.

۳- سؤالات تحقیق

مسئله پژوهش حاضر این است که عوامل تأثیرگذار بر مدیریت سود در ایران چیست و چگونه می‌توان این عوامل را با استفاده از نظریه داده بنیاد چند وجهی به صورت مدل متناسب با شرایط ایران سازماندهی نمود؟ بنابراین این تحقیق به دنبال یافتن پاسخ علمی برای سؤالات زیر می‌باشد:

سؤال اصلی:

الف) مؤلفه‌های توضیح‌دهنده در مدیریت سود کدامند

ب) روابط بین مؤلفه‌های توضیح‌دهنده چگونه است و منطق این روابط چیست.

ج) چه مدلی این روابط را تبیین می‌کند.

۴- روش‌شناسی پژوهش

۴-۱- روش پژوهش

روش‌های کیفی برای پرده برداشتن از پدیده‌هایی که کمتر شناخته شده‌اند، دیدن اینکه در پشت آنها چه نهفته و برای کسب نگاهی نو درباره آن چیزهایی که میزانی از آگاهی درباره‌شان وجود دارد، به کار گرفته می‌شوند. یکی از روش‌های مهم کیفی نظریه‌پردازی داده بنیاد می‌باشد و روشی است که هدف آن شناخت و درک تجارب افراد از رویدادها و وقایع در بستری خاص است (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸). هدف از این پژوهش شناخت و درک تجارب افراد در زمینه مدیریت سود به منظور دستیابی به مدل جامع می‌باشد. با توجه به اینکه در کشورمان تحقیقی مبتنی بر روش کیفی برای تدوین مدل مدیریت سود انجام نشده، لذا در پژوهش حاضر به منظور دستیابی به مدل مناسب مدیریت سود از روش نظریه‌پردازی زمینه بنیاد استفاده شده است. همچنین بدین سبب که شرایط محیطی، قوانین و سازوکارهای نظارتی و ... در ایران دارای ویژگی‌های خاص خود می‌باشد استفاده از روش فوق ضرورت بیشتری می‌یابد. در این نظریه‌پردازی به طور کلی چهار رویکرد وجود دارد. رویکرد گلیزر (کلاسیک)، رویکرد اشتراوس و کوربین، رویکرد ساختارگرایانه چارمز و رویکرد نظریه داده بنیاد چند وجهی (مالتی گراند تئوری) گلدکول و کرونهلم^۷. دو رویکرد اول استقرایی است و تفاوت آنها در فرآیند و ساختار پژوهش خصوصاً مراحل کدگذاری داده است.

رویکرد سوم ساختارگرایانه، علاوه بر بحث استقرا و استفاده از استنتاج برخلاف دو رویکرد اول تأکید زیادی بر بهترین تبیین پیشینه پژوهش و مطالعه گذشته قبل از انجام پژوهش دارد. این در حالی است که دو رویکرد اول بیشتر تأکید بر ذهن خالی در انجام پژوهش دارند (نصر و همکاران، ۱۳۹۸). اخیراً گلدکول و کرونهلم ۲۰۱۰ رویکرد نظریه داده بنیاد چند وجهی را با بررسی نقاط قوت و ضعف تئوری داده بنیاد مطرح کرده‌اند که تکمیل تئوری داده بنیاد را از طریق زمینه‌دار شدن تئوری به روش‌های چندگانه نشان می‌دهد؛ بدین معنا که ما تئوری کشف شده از روش داده بنیاد را از طریق مأخذ دیگر داده‌ها تکمیل می‌کنیم تا تئوری کشف شده هم از لحاظ تجربی (روش نمونه‌گیری نظری) و هم از لحاظ تئوریک (مقایسه با تئوری‌های پیشین) اشباع یا به چالش کشیده شود. در نتیجه آنها علاوه بر گراندینگ تجربی مرسوم، دو گراندینگ دیگر شامل گراندینگ نظری و داخلی را به صورت جداگانه به فرآیند نظریه داده بنیاد اضافه نمودند و به نظر محققان پژوهش حاضر بر غنای پژوهش افزودند. به همین دلیل در پژوهش حاضر از رویکرد چهارم، نظریه داده بنیاد چند وجهی (مالتی گراند) استفاده شده است. پژوهش حاضر تلاش دارد تا به کمک رویکرد داده بنیاد چندوجهی به بررسی مدیریت سود پرداخته و عوامل مؤثر بر مدیریت سود را متناسب با شرایط ایران شناسایی و یک مدل جامع ارائه نماید. مراحل فرآیند توسعه نظریه داده بنیاد چند وجهی عبارت است از: (گلدکول و کرونهلم، ۲۰۱۰)

۱) اولین مرحله بازتاب حوزه‌های مورد علاقه پژوهش و تجدید نظر

۲) دومین مرحله خلق نظریه می‌باشد که در برگیرنده چهار گام است:

گام اول: کدگذاری استقرایی - معادل کدگذاری باز می‌باشد. (برای کشف مؤلفه‌های توضیح‌دهنده مدیریت سود استفاده شده است).

گام دوم: پالایش مفاهیم از طریق، جدول راهنمای ارتباط شرطی اسکات و هاوول (۲۰۰۸) است. گام سوم کدگذاری الگویی - معادل کدگذاری محوری (تعیین مقوله اصلی و روابط بین مؤلفه‌های کشف شده) می‌باشد. در گام سوم پارادایم سه وجهی اشتراوس و کوربین ۱۹۹۸ شامل شرایط، عمل و عکس‌العمل و پیامد می‌باشد؛ و در ویرایش ۱۹۹۰ اشتراوس و کوربین از مدل پیچیده‌تری شامل مفاهیم علی، پدیده، زمینه، شرایط مداخله‌گر، راهکار و پیامد استفاده کردند که در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفته است. گام چهارم: تلخیص نظریه - معادل کدگذاری انتخابی و تشکیل یک یا چند هسته مرکزی می‌باشد (طراحی مدل پارادایم مدیریت سود با بیان منطق روابط کشف شده).

۱) مرحله سوم، شفاف‌سازی مبتنی بر داده‌ها که شامل تطابق نظری، تأیید اعتبار داده‌های

تجربی به صورت شفاف و ارزیابی انسجام نظری می‌باشد.

۲-۴- روش‌های گردآوری شواهد و ساخت داده‌ها و نمونه

در پژوهش حاضر با توجه به استفاده از نظریه داده بنیاد چندوجهی، ابتدا از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و پایگاه اطلاعاتی معتبر، مبانی نظری برای تعیین موضوع و مفاهیم بنیادی گردآوری می‌گردد. سپس از مصاحبه برای بسط مبانی نظری، شناسایی مؤلفه‌ها و نهایتاً تدوین مدل مفهومی پژوهش استفاده خواهد شد. در ابتدای مصاحبه از مصاحبه‌های ساختار نیافته جهت دستیابی به کدها و مفاهیم استفاده شد. در ادامه به کمک مصاحبه نیمه ساختارمند مدل مربوطه استخراج و تکمیل گردید. با توجه به توضیحات فوق، به منظور غنای تحقیق، تلاش شد تا با افرادی که شخصاً موضوع تحقیق را تجربه کرده‌اند و دارای دانش و تجربه بالایی در این زمینه هستند، مصاحبه صورت گیرد؛ بنابراین برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری نظری که بر مفاهیم استخراج شده از داده‌ها استوار است استفاده شده است (نصر و همکاران، ۱۳۹۸). جامعه آماری، شامل خبرگان حرفه حسابداری، اساتید حسابداری دانشگاه و شاغلین اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران، مدیران مالی شرکت‌های پذیرفته شد در بورس که دارای تخصص حسابداری هستند، می‌باشد. در مجموع پس از ۱۴ مصاحبه با خبرگان، داده‌های گردآوری شده به نقطه اشباع رسیده و نیازی به انجام مصاحبه‌های جدید وجود نداشت. شایان ذکر است با توجه به استقبال مصاحبه‌شوندگان از موضوع تحقیق و تمایل آنها به غنی‌تر شدن نتایج تحقیق، میانگین مدت‌زمان مصاحبه‌ها یک ساعت بوده است. در جدول ۱ ویژگی‌های خبرگانی که با آنها مصاحبه انجام شده، ارائه گردیده است.

جدول ۱- اطلاعات جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان

سمت یا موقعیت شغلی	تعداد	سطح تحصیلات						سابقه کار	
		کارشناسی	ارشد	دانشجو دکتری	دکتر	۱۰-۵	۱۵-۱۰	۲۰-۳۰	بیش از ۳۰
مدیر مالی	۹	۱	۴	۴	-	۱	۱	۶	۱
استاد دانشگاه	۳	-	-	-	۳	-	۱	۱	۱
حسابرس	۱	-	-	-	۱	-	-	۱	-
تحلیل‌گر	۱	۱	-	-	-	۱	-	-	-

منبع: یافته‌های پژوهشگر

لازم به ذکر است ملاحظات اخلاقی در اجرای پژوهش مدنظر قرار گرفت؛ بنابراین بدین منظور: ۱- حق خروج از تحقیق برای هر یک از شرکت‌کنندگان محفوظ خواهد بود. ۲- زمان مصاحبه نیز بنا به تحمل شرکت‌کنندگان تنظیم خواهد شد. ۳- شرکت در مطالعه هرگز شرکت‌کنندگان را در معرض هیچ‌گونه آسیب جسمی و روانی قرار نخواهد داد. ۴- تمامی داده‌ها، فایل‌های صوتی، دست‌نوشته‌ها و یادداشت‌های عرصه به جای اسم شرکت‌کننده یا یک کد عددی مشخص خواهد شد.

۳-۴- ارزیابی پژوهش

در پژوهش داده بنیاد چندوجهی مرحله شفاف‌سازی داده‌ها نقش ارزیابی پژوهش را ایفا می‌نماید؛ بنابراین سه نوع اعتبارسنجی انجام می‌شود: ۱. اعتبارسنجی نظری یعنی نظریه با سایر نظریه هم مطابقت دارد. ۲. اعتبار سنجی تجربی یعنی نظریه با مشاهدات تجربی جهان مطابقت دارد. ۳. اعتبار سنجی درونی یعنی نظریه یک راه منسجم و منطقی برای صحبت درباره جهان است. در پژوهش حاضر هر چند پژوهشگران بخش شفاف‌سازی داده‌ها را برای ارزیابی پژوهش کافی می‌دانند. با این وجود به منظور ارزیابی پژوهش پس از تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به روش کدگذاری سه‌گانه از زاویه‌بندی (اجماع داده‌ها یا مثلث‌سازی) «کنترل‌اعضاء» و «معیار مقبولیت» استروس و کوربین، ۲۰۰۸؛ مشایخی و همکاران ۱۳۹۲ استفاده شده است. اجماع داده‌ها یعنی استفاده از منابع چندگانه داده‌ها مانند گردآوری داده‌ها از گروه‌ها، محیط‌ها و زمان‌های مختلف، در این تحقیق دیدگاه گروه‌های مختلف افراد درگیر در مقوله مدیریت سود جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل گردیده است. در میان مصاحبه‌شوندگان، خبرگان حرفه حسابداری، اساتید حسابداری دانشگاه و شاغلین اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران، مدیران مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، حسابرسان و تحلیل‌گران که دارای تخصص حسابداری هستند، حضور داشته‌اند. اعتبار عضو زمانی رخ می‌دهد که پژوهشگر نتایج میدان را به اعضا جهت دستیابی به قضاوت آنها برگرداند. به منظور بررسی کنترل‌اعضاء، متغیرهای استخراج شده از مصاحبه‌ها و نتایج حاصل به ۴ نفر از صاحب‌نظران حرفه (۲ نفر از مصاحبه‌شوندگان و ۲ نفر از سایر صاحب‌نظرانی که در مصاحبه شرکت نداشته‌اند) ارائه و مورد پالایش قرار گرفت. مقبولیت به این معنا است که یافته‌های تحقیق تا چه حد در انعکاس تجارب مشارکت‌کنندگان، محقق و خواننده را در رابطه با پدیده مورد مطالعه موثق و قابل باور است. آنها برای این منظور ده شاخص معرفی می‌کنند که برای مبانی آن، مقبولیت این پژوهش با معیارهای مذکور ارزیابی شد که شامل تناسب،

کاربردی بودن یافته‌ها، زمینه مفاهیم، منطق، عمق، انحراف، بداعت، حساسیت و استناد به یادداشت‌ها می‌باشد.

۵- یافته‌های پژوهش

در نظریه داده بنیاد چند وجهی تجزیه و تحلیل داده‌ها در سه مرحله صورت می‌پذیرد. به این منظور متن مصاحبه‌های صورت گرفته وارد نرم‌افزار مکس کیودا ۱۰ گردیده، کدگذاری‌ها صورت گرفته، دسته‌بندی کدها اقدام شده و در نهایت کدها مرتب شده‌اند. در ادامه مراحل و نتایج تحلیل مصاحبه‌ها تشریح می‌گردد: ۱. بازتاب حوزه‌های مورد علاقه پژوهش و تجدید نظر

بازتاب پذیری در فرایند تحقیق و روش کار یک محقق، تلاشی است برای فهم اینکه چگونه ارزش‌ها، باورها و دیدگاه‌های یک نفر ممکن است در یافته‌ها رسوخ کند؛ بنابراین در طی فرآیند توسعه نظریه، به حوزه‌های مورد علاقه پژوهش شامل اهداف پژوهش سؤالات ضروری است به طور مستمر مراجعه شود تا جهت‌گیری تجربی و نظری پژوهش در مسیر صحیح هدایت شود؛ بنابراین می‌توان بیان کرد که این مرحله از نظریه داده بنیاد چند وجهی حاکم بر کل فرآیند است.

۲- دومین مرحله خلق نظریه شامل چهار گام می‌باشد؛ بنابراین در مجموع ۵۵۲ مفهوم استخراج گردید. گام اول کدگذاری استقرایی معادل کدگذاری باز بدین صورت که بعد از انجام هر مصاحبه، ابتدا متن هر مصاحبه بررسی شده است و با توجه به هر جمله اساسی درون متن، مفاهیم اولیه استخراج شده است (مهرانی و اسکندر، ۱۳۹۵). محقق پس از هر مصاحبه اقدام به مطالعه دقیق متن مصاحبه، مقایسه سازی، نامگذاری، مفهوم‌پردازی و مقوله‌بندی داده‌ها می‌پردازد و بعد از کدگذاری مصاحبه بعدی را انجام می‌داد. نمونه‌ای از کدگذاری‌های انجام شده در تحقیق به شرح زیر می‌باشد:

بخش عمده اقتصاد ما الآن دست بورسی‌ها نیست و دست شبه‌دولتی‌ها است یعنی بخش عمده بنگاه‌های ما هنوز زیر نظر شرکت‌های بورسی اداره نمی‌شوند مثلاً وقتی شما کل اقتصاد را جمع بزنید می‌بینید مثلاً شاید یک دهم کل اقتصاد دست شرکت‌های بورسی نیست { عدم اداره بنگاه‌ها توسط شرکت‌های بورسی } عملاً فرض بفرمائید با جابه‌جا شدن یک سری اعداد توی صورت‌های مالی شرکت‌های بورسی واقعاً اقتصاد ما هیچ تغییری نمی‌کند چون بخش عمده اقتصاد هنوز وابسته به درآمدهای نفتی است { وابسته بودن اقتصاد به درآمد نفتی، اقتصاد دولتی } به خاطر همین من فکر می‌کنم که نظام حسابداری کشورها ما هم یک نظام الآن تقریباً ضعیف و ناکارآمد است { ضعف و ناکارآمدی نظام حسابداری و اقتصادی کشور } این ناکارآمدی از نظر فرهنگی اثر

خودش رو در شرکت‌های بورسی گذاشته یعنی یک حسابدار که توی شرکت بورسی کار می‌کند این ذهنیت را دارد که حالا کاری که می‌کنه خیلی به اون شکل کارآمدی یا اصطلاحاً اثربخشی یا حتی محتوای اطلاعاتی خیلی زیادی ممکنه نداشته باشه { سطح فرهنگ کار حسابداران } بنابراین من نظرم این خودبه‌خود دقت صورت‌های مالی و دقت ارقام صورت‌های مالی رو کم می‌کند. گام دوم اصلاح مفاهیم، به معنای تلاش مستمر در راستای شفاف‌سازی مفاهیم استفاده شده است. مفاهیم می‌تواند در طی مراحل مختلف نظریه داده بنیاد چندوجهی تکامل یابند. اصلاح مفاهیم از طریق طرح سؤال‌های مختلف با در نظر گرفتن مقوله‌ها انجام می‌شود؛ بنابراین به منظور ساماندهی کدها ادغام و گروه‌بندی‌های اولیه مصاحبه، اصلاح مفاهیم از طریق جدول راهنمای ارتباط شرطی اسکات و هاوول ۲۰۰۸ انجام گردید که نتایج آن در جدول ۲، ارائه شده است. همانطور که در این جدول ملاحظه می‌کنید شش گروه اصلی به همراه اجزای شش‌گانه آن شامل (چه چیزی، کجا، چه زمانی، چرا، چگونه، پیامد) استخراج گردیده است. به کمک این جدول، در جدول ۴ کدگذاری الگویی انجام گردید. گام سوم کدگذاری الگویی معادل کدگذاری محوری است؛ بنابراین مقولات اصلی که از کدگذاری باز داده‌ها تکوین یافته‌اند با یکدیگر مرتبط می‌شوند. در این نوع کدگذاری از مدل پارادایم مبتنی بر عمل/ تعامل و نتایج اشتراوس و کوربین (۱۹۹۰) استفاده شده است. برای این منظور مقولات و روابط میان آنها در قالب برچسب پدیده مرکزی، شرایط علی، راهبردها، شرایط مداخله‌گر، بستر و پیامد طبقه‌بندی شدند. همچنین اکثر این جزئیات و کدهای باز جمله خود مصاحبه‌شوندگان که به صورت code in- vivo در سطح مفاهیم با حداقل تغییرات ارائه شده است.

جدول ۲- راهنمای ارتباط شرطی پژوهش

How چطور	Why چرا	when چه موقع	where کجا	What چه چیزی	گروه بندی
بهبود کیفیت کار	تغییر شرایط فعلی حرفه	در حال توسعه حاضر	ایران	شرایط محیطی اقتصادی بازار کار و مدیریت سود چیست	شرایط محیطی
افزایش منافع شرکت	افزایش دانش تخصصی -	دلیل عدم فرهنگ	ایران	ویژگی‌های شخصیتی مدیران از انجام مدیریت سود را چگونه ارزیابی می‌کنید	ویژگی‌های شخصیتی
کاهش ریسک - بهبود کیفیت کار	تقویت حاکمیت شرکتی	نظارت	ایران	وضعیت کل شرکت در انجام مدیریت سود را چگونه ارزیابی می‌کنید	ویژگی‌های کسب و کار

consequence	How چطور	Why چرا	when چه موقع	where کجا	What چه چیزی	گروه بندی
پیامد مثبت و منفی	روش‌های مدیریت سود	نظام حسابداری	هنگام اجرای کار	ایران	ابزارهای مدیریت سود در ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید	ابزار مدیریت سود
پیامد مثبت و منفی	ایجاد روش‌های مختلف مدیریت سود	دلایل شخصی دلایل منافع شرکت	هنگام ارائه خدمات - اجرای کار	ایران	انگیزه مدیران از مدیریت سود را چگونه ارزیابی می‌کنید	انگیزه مدیران
بر کل ساختار حرفه اثر میگذارد	نیاز به اصلاحات کلان دارد	نظارت و عوامل انضباطی	هنگام اجرای کار	ایران	ضوابط و ابزارهای فعلی ارزیابی کنترل مدیریت سود را چگونه ارزیابی می‌کنید	محدودیت مدیریت سود

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۳- نمونه مقوله و مفاهیم

مفاهیم	مقوله	نوع مقوله
معیارهای انتخاب مدیران توانایی مدیر تیب شخصیتی سرمایه‌گذاران شخصیت مدیران درستکاری و اعتقاد حرفه‌ای نوع نگرش	عوامل شخصیتی	علی
شرایط موجود در جامعه حرفه‌ای محیط حسابداری محیط اجتماعی محیط حقوقی محیط اقتصادی محیط گزارشگری مالی محیط حرفه‌ای وضعیت آموزش‌های حرفه‌ای • محیط سیاسی	عوامل محیطی	مداخله‌گر
تربیت حرفه‌ای عمق دانش ضعف دانش تخصصی	دانش تخصصی	زمینه‌ای

پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی
شماره ۴۸ / زمستان ۱۳۹۹

مفاهیم	مقوله	نوع مقوله
<ul style="list-style-type: none"> ضعف و ناکارآمدی نظام حسابداری ✓ ارجحیت قوانین مالیاتی نسبت به استانداردهای حسابداری ✓ عدم بهای تمام شده مدون دقیق ✓ قواعد تسعیر ارز خیلی باز تعریف میشه ✓ ضعف و ناکارآمدی نظام حسابداری اقتصادی ✓ وابسته بودن نظام حسابداری به دولت ✓ عدم وجود سیستم اطلاعاتی یکپارچه 	ضعف نظام حسابداری	زمینه‌ای
<ul style="list-style-type: none"> مدیریت سود تعهدی ✓ سازه‌های حسابداری مدیریت ارائه اطلاعات ✓ تغییر طبقه‌بندی اطلاعات ✓ تغییر در شیوه ارائه اطلاعات و گزارشگری مدیریت زمان مجامع ✓ تنفس مجمع ✓ جابه‌جایی مجمع ✓ بازی با طول سود سهامدار مدیریت رویدادهای بعد از تاریخ ترازنامه 	روش‌های مدیریت سود	راهبرد
<ul style="list-style-type: none"> کاهش سلامت اقتصادی جامعه بحران در صنعت عدم اعتماد بازار سرمایه 	پیامد در سطح کلان	پیامد

منبع: یافته‌های پژوهشگر

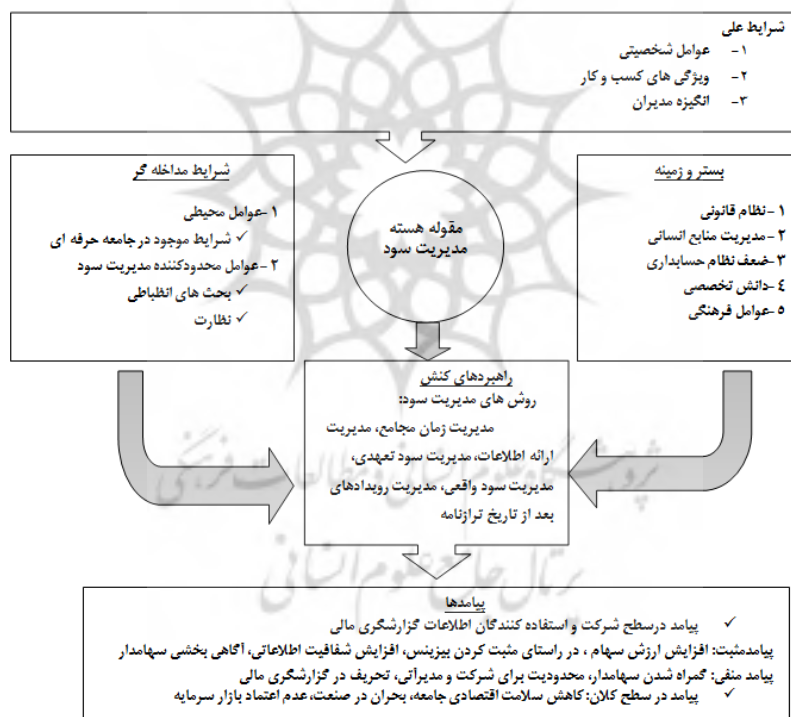
جدول ۴- کدگذاری الگویی - معادل کدگذاری محوری

مقوله اصلی	نوع مقوله
عوامل شخصیتی، ویژگی‌های کسب‌وکار، انگیزه مدیران	شرایط علی
عوامل محیطی، عوامل محدودکننده مدیریت سود	شرایط مداخله‌گر
نظام قانونی، مدیریت منابع انسانی، ضعف نظام حسابداری، دانش تخصصی، عوامل فرهنگی	شرایط زمینه‌ای
روش‌های مدیریت سود: مدیریت زمان مجامع، مدیریت ارائه اطلاعات، مدیریت سود تعهدی، مدیریت سود واقعی، مدیریت رویدادهای بعد از تاریخ ترازنامه	راهکارها
پیامد در سطح شرکت و استفاده‌کنندگان اطلاعات گزارشگری مالی پیامد در سطح کلان	پیامد

منبع: یافته‌های پژوهشگر

تلخیص نظری:

مرحله آخر خلق نظریه، تلخیص نظری است. این مرحله کدگذاری انتخابی در گراند تئوری است. اگرچه در کدگذاری محوری مقوله‌ها به صورت نظام‌مند بهبود یافتند و با زیر مقوله‌ها پیوند داده شدند؛ با این حال این مقوله می‌بایست که برای تشکیل یک آرایش نظری بزرگتر یکپارچه می‌شدند؛ بنابراین در مرحله کدگذاری انتخابی فرآیند یکپارچه‌سازی و بهبود مقوله‌ها صورت گرفت؛ بنابراین، داده‌های خام مصاحبه‌های پژوهش حاضر پس از کدگذاری و دسته‌بندی در قالب مفاهیم و مقوله‌ها، به استخراج یک مقوله هسته‌ای یا پدیده اصلی پژوهش یعنی مدیریت سود، بر اساس تأکید گسترده‌ای که مصاحبه‌شوندگان به این مضمون داشتند، منتهی شد. در راستای تبیین مدل نهایی پژوهش، اجزای کدگذاری الگویی ارائه شده در شکل ۱ به شرح ذیل تشریح می‌گردد.



شکل ۱- الگوی مفهومی مدیریت سود

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۶- نتایج تحلیل داده‌ها

یک نظریه پرداز زمینه بنیان می‌تواند نظریه خود را به سه شیوه نمودار، تشریحی و روایت داستان و یا به صورت مجموعه‌ای از گزاره‌ها ارائه نماید (مشایخی، ۱۳۹۲). در این پژوهش الگوی نهایی به دو روش نمودار مدل مدیریت سود ارائه و سپس مدل مذکور تشریح می‌گردد. همانطور که اشاره شد اکثر پژوهش‌ها در این حوزه مروری، آرشویی و به صورت کمی است؛ بنابراین جای پژوهش‌های کیفی که به طور مستقیم با افراد مرتبط با موضوع مدیریت سود ارتباط برقرار می‌کند و به کمک آنها مطالب راهبردی را استخراج نماید احساس می‌شود. به منظور پر کردن خلأ تحقیقاتی و این نیاز، پژوهش حاضر ضمن مصاحبه با ۱۴ نفر از خبرگان حرفه حسابداری و به کمک رویکرد نظریه داده بنیاد چند وجهی تلاش نمود تا تصویر جامعی در این خصوص در ایران ارائه دهد. در این پژوهش مقوله محوری، اصلی‌ترین چالش پیش روی شرکت‌ها در ایران می‌باشد. چرا که درگیر شدن با مسئله مدیریت سود خالی از مخاطره نیست؛ و مدیریت سود مثل یک کار می‌ماند اگر با دید مثبت به آن نگاه کنی مثبت است و اگر با دید منفی به آن نگاه کنی، کشتن است؛ بنابراین بر اساس مدل به وجود آمده پژوهش و طبق تجزیه و تحلیل نظرات خبرگان، این مقوله ناظر به مسیری است که مدیران و سهامداران و افکار عمومی توافق کنند که راهکارهایی در جهت کاهش آن اجرا کنند و به گونه‌ای عمل شود که منافع سهامدار و شرکت هر دو در نظر گرفته شود؛ بنابراین در این راستا هسته مرکزی «مدیریت سود» می‌باشد. در پژوهش حاضر با ارائه شرایط علی به دنبال کشف رویدادها و وقایعی علیتی هستیم که منجر به خلق پدیده «مدیریت سود» در شرکت‌های ایران می‌شوند؛ بنابراین با بررسی متن مصاحبه‌ها و نتیجه‌های به دست آمده از روش مقایسه مداوم مقوله‌های اصلی در این بخش شامل عوامل شخصیتی، ویژگی‌های کسب‌وکار و انگیزه مدیران می‌باشد. مدیران برای اینکه از عهده انجام وظایف محوله برآیند به صفات شخصیتی نیاز دارند. در حقیقت در یک مقوله سازمانی، شخصیت مدیر جدا از موقعیت‌هایی که برای سازمان فراهم می‌شود تعریف نشده است بنابراین رفتارهایی که یک مدیر انجام می‌دهد مهم می‌باشد. دومین مورد در خصوص شرایط علی ویژگی‌های کسب‌وکار در مفاهیم، بررسی وضعیت کل شرکت (جایگاه، صنعت، قوانین، تکنولوژی، هدف) طبقه‌بندی می‌شود. به نقل از ال دیری (۲۰۱۸)، ویژگی‌های شرکت مربوط به قراردادهای بین سهامداران ممکن است بر رفتار مدیریت اثرگذار باشد. مهمترین موضوع مطرح شده در خصوص شرایط علی، انگیزه مدیران می‌باشد به طور کلی با توجه به ادبیات تحقیق دو دیدگاه در خصوص انگیزه مدیریت وجود دارد یکی دیدگاه مثبت و دیگری دیدگاه منفی بدین منظور در پژوهش حاضر انگیزه مدیران به سه گروه انگیزه سفید، انگیزه سیاه و انگیزه خاکستری به همراه پیامدهای آن تقسیم‌بندی شده است. انگیزه سفید در برگیرنده

انگیزه‌های سازمانی است که سبب افزایش منافع شرکت می‌شود بنابراین پیامدهای ناشی از آن مثبت شامل افزایش شفافیت اطلاعاتی، در راستای مثبت کردن بیزنس، مدیریت اطلاعات، افزایش ارزش سهام، انتقال اطلاعات بین استفاده‌کنندگان داخلی و خارجی است. دومین گروه شامل انگیزه سیاه می‌باشد که در برگرفته انگیزه‌های فردی است بنابراین پیامدهای منتج از این نوع انگیزه منفی و شامل عدم اعتماد بازار سرمایه، بحران صنعت، جهت سرمایه‌گذاری به سمت غیرواقعی، ارائه پیام غیرواقعی به سهامدار، محدودیت برای شرکت و مدیر آتی، زیر سؤال بردن کیفیت، متضرر شدن سهامدار اقلیت، عدم تقارن اطلاعاتی، کاهش کیفیت اطلاعات می‌باشد و سومین گروه انگیزه‌های خاکستری است که در برگرفته انگیزه‌های بیرونی می‌باشد که پیامدهای آنها می‌تواند هم مثبت شامل افزایش منافع شرکت، حفظ نقدینگی در شرکت و هم منفی شامل ارائه پیام غیرواقعی به سهامدار، بحران در اقتصاد، کاهش کیفیت اطلاعات، عدم تقارن اطلاعاتی باشد.

۶-۱- راهبردها مدیریت سود و شرایط مداخله‌گر

پس از بررسی شرایط علی مؤثر بر مدیریت سود از منظر خبرگان حوزه حسابداری، توجه به راهبردها و کنش و واکنش‌هایی که طی تعامل افراد در فرآیند مدیریت سود و تحت پدیده محوری و سایر مقوله‌ها رخ می‌دهد تحت این عنوان قابل دسته‌بندی است؛ بنابراین در این بخش به این مطلب که مدیریت سود با چه ابزارها و راهبردهایی انجام می‌شود می‌پردازد؛ بنابراین با کاوش در نظر خبرگان روش‌های مدیریت سود شامل پنج مقوله مدیریت ارائه اطلاعات، مدیریت سود تعهدی، مدیریت سود واقعی، مدیریت زمان مجامع و مدیریت رویدادهای بعد از تاریخ ترازنامه می‌باشد. مدیریت سود تعهدی روشی است که در آن مدیر بدون تأثیرگذاری بر وجه نقد بدون اخذ تصمیمات اقتصادی، تنها در بستر دفاتر حسابداری اقدام به مدیریت سود می‌کند (دیچو و همکاران، ۲۰۱۰؛ دی آنجلو ۱۹۸۶؛ دیفوند و سابرمانیام ۱۹۹۶). مدیریت سود بر اساس فعالیت‌های واقعی روشی است که مدیر برای رسیدن به سطح مورد انتظار خود، تصمیمات واقعی اخذ می‌کند رویچادری (۲۰۰۶)؛ کوهن و همکاران، ۲۰۰۸؛ کوهن و زاروین ۲۰۱۰؛ کوتاری ۲۰۱۶)؛ به عنوان مثال به منظور افزایش سود میزان هزینه تبلیغات را کاهش می‌دهد. یکی دیگر از روش‌های مدیریت سود که ممکن است خاص شرایط ایران باشد مدیریت زمان مجامع می‌باشد. یکی از قوانین برگزاری مجامع شرکت‌ها مربوط به زمان و نحوه اطلاع‌رسانی آنهاست. مجمع عمومی عادی سالیانه برای رسیدگی به صورت‌های مالی شرکت، رسیدگی به گزارش مدیران و بازرسان شرکت و تقسیم سود و اندوخته بین صاحبان سهام و... سالی یکبار در زمانی که در اساسنامه پیش‌بینی شده تشکیل

می‌شود؛ بنابراین مدیریت زمان مجامع شامل ریز مقوله‌هایی چون تنفس مجمع، جابه‌جایی مجمع و بازی با سود سهامدارها جهت پرداخت دیرتر سود تقسیمی و استفاده از آن در جایی دیگر می‌باشد. مدیریت ارائه اطلاعات در برداشت استفاده‌کنندگان از اطلاعات مؤثر است؛ بنابراین این احتمال وجود دارد که مدیران به وسیله مدیریت کردن ارائه اطلاعات بر، برداشت استفاده‌کنندگان از موفقیت شرکت در رسیدن به اهدافش تأثیرگذار باشد. آخرین مقوله اصلی در بحث راهبردها رخدادهای بعد از تاریخ ترازنامه می‌باشد که از ۱/۱ هر سال تا ۵/۳۱ همان سال است که گاهی در شرکت‌های بورسی جهت جلوگیری از سقوط سهام و افزایش ارزش سهام انجام می‌گیرد. همچنین شرایط مداخله‌گری چون عوامل محدودکننده مدیریت سود (بحث‌های انضباطی و نظارت) و عوامل محیطی (شرایط موجود در جامعه حرفه‌ای) بر راهبردهای فوق‌الذکر تأثیر دارد. در پژوهشی آلوارادو و لافارگا^۱ (۲۰۱۹)، نشان دادند که حسابرسی بیرونی یک مکانیزم مهم برای کاهش مدیریت سود است. همچنین بر اساس تئوری نمایندگی، مدیران اطلاعات بیشتری در مقایسه با سهامداران دارند و ممکن است تصمیماتی اتخاذ نمایند که در راستای منافع سهامداران نباشد. شرایط موجود در جامعه حرفه‌ای شامل محیط حسابرسی، محیط اجتماعی، محیط حقوقی، محیط اقتصادی، محیط گزارشگری مالی، محیط حرفه‌ای، وضعیت آموزش‌های حرفه‌ای و محیط سیاسی می‌باشد.

محیط حسابرسی بدین معنی که ضعف در شکل گزارشگری خارجی وجود دارد و شکل گزارش حسابرسان خارجی خیلی وقت‌ها از یک نسخه فرمالیته و تشریفاتی تبعت می‌کند. علاوه بر این طبق نظر برخی از خبرگان نظام حسابرسی ما یک نظام حسابرسی گران و سخت می‌باشد. به اعتقاد خبرگان محیط اجتماعی ناشی از عوامل ضعیف بودن جایگاه سهامدار خرد در جامعه، دیدگاه کوتاه‌مدت در اقتصاد، سیاست و فرهنگ، خراب بودن افکار افراد، فراموشکار بودن جامعه ایران و دیدگاه کوتاه‌مدت جامعه ایران می‌باشد. از لحاظ حقوقی، نظام حقوقی ما مکتوب است. یک نظام قانونی و مقرراتی شامل حمایت از حقوق مالکیت، نظارت بر اجرای قراردادها و یک نظام حسابداری مناسب است. بسیاری از تصمیمات اصلی و کلان شرکت‌ها با در نظر گرفتن متغیرهای کلان اقتصادی و سیاسی صورت می‌گیرد؛ بنابراین طبق تجزیه و تحلیل نظر خبرگان ساختار اقتصادی کشور به عنوان عوامل مداخله‌گر دارای اهمیت بسیار زیادی است؛ که بر روی ارقام صورت‌های مالی تأثیرگذار است، کلان‌ترین متغیرهای اثرگذار اقتصادی به اعتقاد خبرگان تغییرات قیمت ارز و قیمت نفت می‌باشد. چرا که در کشور ما وقتی متغیرهای کلان اقتصادی تغییر می‌کند شرکت‌هایی که تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند سعی می‌کنند صورت‌های مالی‌شان را با توجه به شرایط اقتصادی تعدیل کنند؛ بنابراین بر روی کیفیت صورت‌های مالی هم تأثیرگذار است. همچنین محیط گزارشگری مالی شامل تقویت و کنترل کیفیت گزارشگری مالی و شخصیت اطلاعات می‌باشد. از

لحاظ وضعیت آموزشی، ضعف در آموزش وجود دارد و بنابراین تقویت سیستم آموزشی باید لحاظ شود. به اعتقاد خبرگان عدم تسلط ممیز مالیاتی بر حرفه، عدم آگاهی برخی از مدیران از مدیریت سود، پایین بودن تخصص و سواد مالی مدیران مالیاتی و عدم تخصص مدیران بالاسری عواملی است که نشان‌دهنده ضعف در آموزش است. در مقابل برخی از افراد به علت آگاهی زیاد و در معرض اطلاعات زیاد قرار گرفتن اقدام به مدیریت سود می‌کنند. طبق نظر خبرگان محیط حرفه‌ای شامل حاکمیت شرکتی، برداشتن پیش‌بینی‌ها در بازار، به روز کردن ساختار قوانین و استانداردها، عدم پیش‌بینی، عدم استقلال حرفه‌ای می‌باشد. سیاست‌های دولت شامل برخی سیاست‌های کلان اقتصادی است. تأثیر این سیاست‌ها بر توسعه بخش مالی می‌تواند هم از طرف عرضه و هم از طرف تقاضای بخش مالی انجام شود؛ بنابراین طبق نظر خبرگان محیط سیاسی تحت تأثیر عوامل سیاست‌های مالی و پولی دولت، سیاست‌های کلان دولت و روابط سیاسی، نحوه عرضه و تقاضا، سیاست ارزی مملکت، روابط سیاسی مملکت می‌باشد. از منظر خبرگان بحث‌های انضباطی و نظارت بیان‌کننده عوامل محدودکننده مدیریت سود در پژوهش حاضر می‌باشد و ضعف در نظارت و به کارگیری افراد ناشایست خلأ بزرگ اقتصاد ایران است. در حالی که دچار تعدد دستگاه‌های نظارتی هستیم، اما عملاً هیچ نتایجی از آن‌ها خارج نمی‌شود و خود دچار تخلفات و عذرآوری هستند که دیگران را وادار به تذکر می‌کنند. به اعتقاد خبرگان، وجود نظارت کافی و به دنبال آن تشویق و تنبیه مناسب از عوامل بازدارنده قانون‌گریزی و مدیریت سود است. در کنار نظام تنبیهی وجود یک نظام تشویقی مناسب نیز در قانون‌گرا شدن افراد جامعه مؤثر است.

۶-۲- پیامدهای ناشی از اتخاذ راهبردها

با کاوش در نظرات مصاحبه‌شوندگان پیامدهای مدیریت سود ناشی از راهبردها شامل دو پیامد در سطح شرکت و استفاده‌کنندگان اطلاعات گزارشگری مالی و در سطح کلان می‌باشد. بر اساس ادبیات تحقیق و بررسی نظر خبرگان با توجه به انگیزه مدیران از مدیریت سود، مدیریت سود می‌تواند مثبت و منفی باشد. پیامد مثبت شامل افزایش ارزش سهام، در راستای مثبت کردن بیزینس، افزایش شفافیت اطلاعاتی، آگاهی بخشی سهامدار می‌باشد. همچنان که گانی (۲۰۱۰) اظهار داشت که دستکاری ارقام واقعی توسط مدیریت فرصت‌طلبانه نمی‌باشد بلکه ابزاری در دست مدیران جهت آگاهی بخشی سهامداران در مورد عملکرد بهتر سنوات آتی می‌باشد؛ و پیامد منفی ناشی از مدیریت سود منفی با توجه به انگیزه‌های سیاه یعنی انگیزه‌هایی که ناشی از منفعت شخصی مدیر می‌باشد بنابراین در برگزیده مقوله‌هایی چون گمراه شدن سهامدار، محدودیت برای

شرکت و مدیر آتی، تحریف در گزارشگری مالی است که تبعات بسیاری علاوه بر شرکت در سطح کلان ایجاد می‌کند. آشتاب و همکاران (۱۳۹۶) بیان نمودند ابزارهای مدیریت سود تحت تأثیر نوع صنعت است و بحران مالی پیش‌بینی شده و ابزارهای مدیریت سود به صورت علت و معلول بر یکدیگر اثر می‌گذارند. لذا پیامدهای ناشی از مدیریت سود در سطح کلان سبب کاهش سلامت اقتصادی جامعه، بحران در صنعت، و عدم اعتماد بازار سرمایه می‌شود؛ بنابراین می‌توان بیان کرد جهت کاهش مدیریت سود در شرکت باید بسترسازی شود. هر چند ذات حسابداری به گونه‌ای است که گاهاً مدیریت سود اتفاق می‌افتد.

۳-۶- شرایط بستر

راهبردها (روش‌های) مدیریت سود تحت تأثیر ویژگی‌های زمینه و بستر حرفه حسابداری قرار دارد. طبق نتایج تحقیق، این عوامل عبارتند:

«نظام قانونی»، «مدیریت منابع انسانی»، «ضعف نظام حسابداری»، «دانش تخصصی» و «عوامل فرهنگی». رویز^۹ (۲۰۱۶)، بیان داشت بسته به کشور، جایی که شرکت در آن قرار دارد آنها مشمول چارچوب قانونی متفاوتی می‌شوند (آیین‌نامه‌ها در مقابل قوانین عمومی)؛ که مبتنی بر سطح حمایت سرمایه‌گذاران کشور است؛ بنابراین چارچوب قانونی کشور بر مدیریت سود اثرگذار است (رویز، ۲۰۱۶). به طور معمول دولت یکی از بازیگران عمده بخش مالی اقتصاد است. طبق نظر خبرگان به نوعی فشارهای دولت و تعدیل مصوبات دولت و مجلس با تغییر شرایط اقتصادی و تغییر در دولت مزید بر علت، مدیریت سود می‌باشد. با توجه به تحولات اقتصادی کشور چنین به نظر می‌رسد که نظام آموزشی حسابداری از نارسائی‌هایی برخوردار است. به اعتقاد برخی از مصاحبه‌شوندگان عدم وجود بهای تمام شده مدون و دقیق، عدم وجود سیستم اطلاعاتی یکپارچه، وابسته بودن نظام حسابداری به دولت، ضعف و ناکارآمدی نظام حسابداری و اقتصاد کشور، باز تعریف شدن قواعد تسعیر ارز عواملی هستند که نقش مهمی در نظام حسابداری دارند؛ بنابراین رفع نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان خرد و کلان، مستلزم داشتن یک نظام حسابداری کارآمد می‌باشد. یکی از عمده‌ترین دغدغه‌های مدیران کارآمد در سطوح مختلف چگونگی ایجاد بسترهای مناسب برای عوامل انسانی شاغل در تمام حرفه‌هاست تا آنها با حس مسئولیت و تعهد کامل به مسائل جامعه و حرفه خود بپردازند و اصول اخلاقی حاکم بر شغل و حرفه خود را رعایت کنند. دانش تخصصی مدیران و کارکنان عامل اصلی دیگر در مدیریت سود دربرگیرنده مفاهیم تربیت حرفه‌ای، عمق دانش و ضعف دانش تخصصی است که نقش مهمی در مدیریت سود ایجاد می‌کند. در نهایت ارزش‌های فرهنگی یکی از فاکتورهای مهم و اثرگذار در تجارت جهانی است. دیسندر و

همکاران^{۱۰} (۲۰۱۱)، رابطه بین ارزش‌های فرهنگی، خصوصاً فردگرایی و مدیریت سود را مورد بررسی قرار دادند. نتایج آنها نشان داد که کشورها با سطح بالای فردگرایی تمایل به سطح کمتری از مدیریت سود دارند. ستایش و همکاران (۱۳۹۲: ۷۳) بیان نمودند بین سرمایه فکری و مدیریت سود رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

۶-۴- شفاف‌سازی مبتنی بر داده‌ها

پس از خلق نظریه، شفاف‌سازی داده‌ها ضروری است. در خصوص اعتبار داده‌های تجربی به صورت شفاف همانطور که اشاره شد اکثر کدها به صورت code in- vivo و در سطح مفاهیم بدون تغییرات و در سطح کدگذاری باز با حداقل تغییرات است بنابراین مبتنی بر نتایج استقرایی است. از آنجایی که مدل نهایی هم با داده‌های تجربی و هم با ادبیات پژوهش سازگاری دارند بنابراین از انسجام نظری برخوردار می‌باشند. نتایج جدول چهار نشان می‌دهد در چه حوزه‌هایی نیازمند تمرکز و توجه بیشتر به منظور کاهش مدیریت سود و بهبود کیفیت در شرکت‌هاست.

جدول ۴- شفاف‌سازی مبتنی بر داده‌ها

نوع مقوله	مقوله	ادبیات تجربی
علی	عوامل شخصیتی	رابطه باورهای دینی مدیران و مدیریت سود (سپاسی و حسنی، ۱۳۹۵) ویژگی‌های مدیریت و مدیریت سود (چو و چان، ۲۰۱۸؛ وانگ و همکاران ۲۰۱۷)
	ویژگی‌های کسب‌وکار	اثر استراتژی شرکت بر مدیریت سود ماکتیانتو ^{۱۱} ، ۲۰۱۷؛
مداخله‌گر	انگیزه مدیران	انگیزه‌های مدیریتی و مدیریت سود (رونن و یاری ۲۰۰۸) امنیت شغلی و مدیریت سود (کای و همکاران ۲۰۱۷) استانداردها: استانداردهای حسابداری و مدیریت سود در جهان (یو ^{۱۲} ، ۲۰۱۴)
	عوامل محیطی	عوامل محیطی شامل شرایط موجود در جامعه حرفه‌ای خاص کشور ایران می‌باشد. رکود اقتصادی (باغویان؛ ۱۳۹۶) آموزش حرفه‌ای و مدیریت سود، چاپینگ و همکاران ۲۰۱۶؛ کیفیت حسابداری و مدیریت سود (الوارادو و لافارگا ۲۰۱۹)
	عوامل محدودکننده مدیریت سود	شامل ضعف نظارت و بحث‌های انضباطی خاص شرکت‌ها در ایران می‌باشد.
بستر	مدیریت منابع انسانی	بیمه بیکاری کارکنان و مدیریت سود (دوو همکاران ^{۱۳} ، ۲۰۱۶) رابطه بین سرمایه فکری و مدیریت سود (ستایش و همکاران، ۱۳۹۲)
	ضعف نظام حسابداری	خاص سیستم حسابداری در ایران می‌باشد.
	دانش تخصصی	دانش مالی مدیر و مدیریت سود (جیانگ، ژو و هوانگ ۲۰۱۳؛

نوع مقوله	مقوله	ادبیات تجربی
	عوامل فرهنگی	دیسندر (۲۰۱۱)
راهبرد	روش‌های مدیریت سود	مدیریت سود واقعی؛ رویچادری (۲۰۰۶)؛ کوهن و همکاران، ۲۰۰۸؛ کوهن و زاروین ۲۰۱۰؛ کوتاری (۲۰۱۶) مدیریت سود تعهدی؛ مدیریت سود از طریق سازه‌های حسابداری (دیچو و همکاران، ۲۰۱۰؛ دی آنجلو ۱۹۸۶؛ دیفوند و سابرمانیام ۱۹۹۶) مدیریت طبقه‌بندی اطلاعات؛ مک وی ۲۰۰۶؛ الفانسو و همکاران، ۲۰۱۵؛ مالیکو و همکاران ۲۰۱۸ مدیریت زمان‌بندی مجامع؛ خاص شرکت‌های موجود در کشور ایران مدیریت ارائه اطلاعات؛ مدیریت اطلاعات دهندگی و آگاهی بخشی سود از طریق ابزارهای مختلف چون گزارشگری صورت سود و زیان جامع به جای صورت سود و زیان (لی و وانگ، ۲۰۰۶) مدیریت رویدادهای بعد از تاریخ ترازنامه؛ خاص شرکت‌های موجود در ایران
پیامد	در سطح شرکت و استفاده‌کنندگان اطلاعات در گزارشگری مالی	گانی (۲۰۱۰)
	در سطح کلان	بحران مالی و مدیریت سود؛ آشتاب و همکاران (۱۳۹۷)

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۷- بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش شناسایی عوامل مؤثر بر مدیریت سود و تعیین مدل مناسب با توجه به شرایط ایران می‌باشد. بدین منظور از رهیافت نظریه داده بنیاد چند وجهی استفاده شده است. اغلب اجزای الگوی مدیریت سود که در این پژوهش ارائه شده با ادبیات موجود مطابقت دارد اما با وجود شباهت‌های زیاد بسیاری از مؤلفه‌ها و عوامل خاص در این مدل معرفی و مورد تأکید قرار گرفته است که به عنوان نمونه می‌توان به مدیریت زمان مجامع، مدیریت رویدادهای بعد از ترازنامه، مدیریت ارائه اطلاعات، انگیزه مدیران و بحث‌های انضباطی نام برد.

یکی از دستاوردهای این پژوهش و مدل ارائه شده برای مدیریت سود این است که در این مدل مفهوم مدیریت زمان مجامع شامل تنفس مجمع، جابه‌جایی مجمع، تشکیل مجمع در روزهای آخر به دلیل تأخیر در پرداخت سود سهامدار به منظور درست کردن چیدمان شرکت می‌باشد. طبق بررسی‌های انجام شده در ادبیات، محقق به مواردی که به این مفهوم پرداخته شده باشد برخورد

نموده است؛ بنابراین روش فوق سبب تحقق یکی از اهداف پژوهش که پر کردن خلأ موجود در ادبیات تحقیق است دست یافته و منجر به دانش افزایی در حوزه مدیریت سود شده است. لازم به ذکر است این امکان وجود دارد روش فوق (مدیریت زمان مجامع) با توجه به شرایط خاص در ایران شناسایی شده باشد. یکی دیگر از دستاوردهای پژوهش حاضر، مدیریت سود از طریق رویدادهای بعد از تاریخ ترازنامه می باشد که این مورد هم ممکن است با توجه به شرایط خاص در ایران شناسایی شده باشد. همچنین دیگر مواردی که در این تحقیق معرفی و مورد تأکید قرار گرفته، مدیریت سود از طریق مدیریت ارائه اطلاعات است و در برگیرنده دو مقوله تغییر طبقه بندی اطلاعات و تغییر در شیوه اطلاعات است. تغییر طبقه بندی اطلاعات بر این مبنا می باشد که سود خالص شرکت تغییر نمی کند و درون صورت سود و زیان است (مک وی^{۱۴}، ۲۰۰۶) بنابراین طبق نظر خبرگان شامل تغییر در طبقه بندی گزارشگری اقلام سود و زیان می باشد. ثقفی و جمالیان پور ۱۳۹۷، در پژوهشی با بررسی تعامل میان روش های مختلف مدیریت سود به این نتیجه رسیدند که شرکت ها به ترتیب از مدیریت سود واقعی، مدیریت اقلام تعهدی و مدیریت تغییر طبقه بندی استفاده می کنند. به منظور بهتر نشان دادن وضعیت مالی و نتایج عملیات شرکت، تغییر طبقه بندی در صورت سود و زیان می تواند به عنوان عاملی جدید برای مدیریت حساب ها و افزایش توابع مطلوبیت مدیر باشد. به اعتقاد خبرگان، دومین مقوله فرعی در مدیریت ارائه اطلاعات شامل تغییر در شیوه ارائه اطلاعات و گزارشگری می باشد؛ که در برگیرنده دو ریز مقوله استراتژی شرکت در ارائه اطلاعات و تغییر محتوا و شکل گزارشگری می باشد که معرفی و مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین در تحقیقات پیشین انگیزه مدیران، به عنوان عوامل مؤثر بر مدیریت سود مورد تأکید قرار گرفته است (از جمله کای و همکاران ۲۰۱۷، رون و یاری ۲۰۰۸؛ مشایخ و همکاران ۱۳۹۲)؛ که در پژوهش حاضر نیز عوامل فوق مورد تأیید خبرگان قرار گرفت به علاوه در پژوهش حاضر نگاهی جدید به انگیزه ها داشته و انگیزه مدیران را به سه گروه انگیزه سفید، سیاه و خاکستری به ترتیب مبتنی بر سازمانی بودن، فردی بودن و انگیزه های بیرونی همراه با پیامدهای آن معرفی نموده است. یکی دیگر از عوامل خاصی که در این مدل معرفی شده و مورد تأکید قرار گرفته است بحث های انضباطی است که شامل تشویق و تنبیه مناسب، مخدوش شدن اعتبار مدیرعامل و شرکت، دریافت پوئن منفی، تنبیهات بازار می باشد که در واقع سبب محدودیت در مدیریت سود می شود. البته لازم به ذکر است از لحاظ نهادهای ناظر ضعف در عوامل انضباطی وجود دارد؛ بنابراین با توجه به توضیحات پیش گفته می توان بیان داشت مدیریت سود تأثیر بسیار مهمی بر شرکت حرفه و سطح کلان اقتصادی دارد هر چند عوامل هریک از موارد ذکر شده ممکن است منجر به انگیزه برای

مدیریت سود گردد؛ بنابراین با توجه به نتایج پژوهش پیشنهادی گردد به منظور اثربخش بودن جهت بهبود کیفیت شرکت‌ها و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی با توجه به اینکه شرایط زمینه‌ای شامل نظام قانونی، مدیریت منابع انسانی، ضعف نظام حسابداری، دانش تخصصی و عوامل فرهنگی می‌باشند توسط هریک از مقامات مسئول اصلاح و بهبود یابد. همچنین سازمان‌های نظارتی مانند سازمان بورس و اوراق بهادار و سازمان حسابرسی با اعمال قوانین، استانداردها و دستورالعمل‌های مناسب و کارا به طوری که این قوانین شفاف و رسا بوده و امکان نقض آن توسط شرکت‌ها و مدیران نباشد و تهیه چک‌لیست‌های مرتبط با مدیریت سود می‌توانند نقش مهمی در زمینه مدیریت سود ایفا نمایند. همچنین از آنجا که مسئله مدیریت سود، مسئله‌ای حیاتی برای شرکت و بالطبع کشور است. پیشنهاد می‌شود از متغیرهای بدست آمده از الگوی پژوهش حاضر برای آموزش و افزایش آگاهی عموم به‌ویژه دانشجویان رشته‌های مرتبط استفاده و اقدامات جدی‌تری انجام شود؛ و با توجه به اینکه روش مدیریت زمان مجامع روشی جدید در خصوص انجام مدیریت سود است لذا شناسایی جایگاه پدیده مدیریت زمان مجمع و سایر روش‌های مدیریت سود می‌تواند نقش مهمی در کاهش پدیده مدیریت سود و شفافیت و کیفیت بیشتر ایفا کند. لذا الگوی مفهومی این تحقیق در رابطه با مدیریت سود و ابعاد و مؤلفه‌های مربوط به آن دست یافت، می‌تواند جهت بررسی‌های بیشتر در پژوهش‌های آتی نقش مؤثری داشته باشد، بنابراین برخی از این پیشنهادات به شرح زیر است:

- ✓ ارائه الگوی مفهومی مدیریت سود به تفکیک صنعت
- ✓ تجزیه و تحلیل کمی و اندازه‌گیری مدیریت سود جهت دستیابی به یک مدل رگرسیونی می‌تواند در مطالعات آتی مورد بررسی و آزمون قرار گیرد.
- ✓ از آنجا که انگیزه مدیران یکی از مفاهیم بنیادین و به عنوان عاملی بسیار مهم که منجر به مدیریت سود می‌شود و در این تحقیق معرفی شده است. بررسی و شناسایی انگیزه مدیران از مدیریت سود از طریق نظریه پردازی زمینه بنیان می‌تواند مورد واکاوی قرار گیرد.

فهرست منابع

- ۱) آشتاب، علی، حمید حقیقت و غلامرضا کردستانی، (۱۳۹۷)، "بررسی رابطه بحران مالی پیش‌بینی شده و رویکردهای مدیریت سود با استفاده از معادلات ساختاری"، فصلنامه تحقیقات مالی، دوره ۲۰، شماره ۴، صص ۴۶۷-۴۸۸.
- ۲) اسماعیل‌زاده، علی و مختار کیوان فر، (۱۳۹۷)، "رابطه بین استحکام مدیریت، مدیریت سود و ارزش شرکت. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی"، شماره ۳۹، سال دهم، صص ۸۱-۱۰۶.
- ۳) استراوس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۹۳)، "اصول روش تحقیق کیفی، نظریه‌مبنایی رویه‌ها و شیوه‌ها"، ترجمه محمدی، بیوک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۹۹۸.
- ۴) باغومیان، رافیک، حجت محمدی و منصور طاهری، (۱۳۹۶)، "رکود اقتصادی و مدیریت سود"، مجله حسابداری مدیریت، دوره ۱۰، شماره ۳۲، صص ۲۹-۴۲.
- ۵) سپاسی، سحر و حسن حسنی، (۱۳۹۵)، "رابطه باورهای دینی و مدیریت سود"، حسابداری ارزشی و رفتاری، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۷-۴۰.
- ۶) ستایش، محمد حسین، مجتبی سعیدی و محمد حسین قدیریان آرانی، (۱۳۹۲)، "رابطه بین عناصر سرمایه‌فکری و مدیریت سود"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۵، شماره ۱۸، صص ۷۳-۱۰۶.
- ۷) حجازی، رضوان، سمیرا آدم پیرا و مصطفی بهرامی زیارتی، (۱۳۹۵)، "تشخیص مدیریت سود با استفاده از تغییرات در گردش دارایی و حاشیه سود"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، شماره ۲۹، سال ۸، صص ۷۳-۹۵.
- ۸) خدای پور، احمد، حجت حسینی نسب و افشین اشتریان، (۱۳۹۷)، "تأثیر محافظه‌کاری حسابداری و مالکیت سهامداران نهادی بر مدیریت سود با استفاده از قانون بنفورد"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، شماره ۳۹، سال دهم، صص ۱-۲۷.
- ۱۰) ثقفی، علی و مظفر جمالیان پور، (۱۳۹۷)، "جایگاه پدیده تغییر طبقه‌بندی در مدیریت سود"، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی- شماره ۵۷، سال ۱۴.
- ۱۱) نصر، محمد علی، شکراله خواجوی و عزت‌اله عباسیان، (۱۳۹۸)، "طراحی چارچوب کنترل کیفیت برای مؤسسات حسابرسی و نهاد ناظر در ایران به روش نظریه داده‌بنیاد چندوجهی"، فصلنامه علمی و پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، شماره ۳۰، سال هشتم.

۱۲) مهرانی، ساسان و هدی اسکندر، (۱۳۹۵)، "تیین مدل سازی پارادایم مذاکرات حسابرس، صاحبکار پیرامون گزارشگری مالی"، پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۱۴۳-۱۶۹.

۱۳) مشایخی، بیتا، کاوه مهرانی، علی رحمانی و آزاده مداحی، (۱۳۹۲)، "تدوین مدل کیفیت حسابرسی"، فصلنامه بورس اوراق بهادار، شماره ۲۳، سال ششم.

۱۴) مرادی، محمد، (۱۳۹۴)، "طراحی مدل کیفیت سود در بورس اوراق بهادار تهران با تأکید بر نقش اقلام تعهدی"، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۲۵.

۱۵) ولی زاده لاریجانی، اعظم، علی رحمانی و شقایق ساده، (۱۳۹۷)، "رابطه بین افشای گزارش کنترل‌های داخلی، هزینه‌های نمایندگی و مدیریت سود"، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۷(۲۵)، صص ۴۰-۲۹.

۱۶) ودیعی نوقابی، محمد حسین و محمد حسین ساعی، (۱۳۹۸)، "بررسی ارتباط بین اقلام تعهدی اختیاری خاص شرکت و بازده غیرعادی آتی سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، صص ۱۵۱-۱۶۸.

- 17) Alvarado, N. R, De Fuentes, P., Laffarga, J. (2019), "Do Auditors Mitigate Earnings Management during Economic Crisis", *Revista De contabilidad Spanish Accounting Review*, , (22), PP. 6-20.
- 18) Ajay, R, Madhumathi, R, (2015), "Diversification Strategy and Earnings Management", <http://papers.ssrn.com>
- 19) Choue, Yan YU., Chan, Min Li. (2018), "The Impact of CEO Characteristics on Real Earnings Management: Evidence from the us Banking Industry", *Journal of Applied Finance & Banking*, Vol. 8, No. 2, PP. 17-44.
- 20) Corbin, J., & Strauss, A. (2008), "Basics of Qualitative Research", Los Angeles, CA.: SAGE.
- 21) Cohen, D., Dey, A. and Lys, T. (2008), "Real and Accrual-based Earnings Management in the pre and post Sarbanes-Oxley Periods", *The Accounting Review*, 83, PP. 757-787.
- 22) Cohen, D.A. and Zarowin, P. (2010), "Accrual-based and Real Earnings Management Activities around Seasoned Equity Offerings", *Journal of Accounting and Economics*, 50 (1), PP. 2-19.
- 23) Chiang, H.T., Lin Lin, S., He, L., Sung, Y.T., (2016), "Prpfesional Education Background AND Earnings Management of Chairmenand Senior Managers", *The International Journal of Business and Finance Research.*, Vol. 10, No. 2, PP. 91-108.
- 24) DeFond, M. L. and Jiambalvo, J. (1994), "Debt Covenant Violation and Manipulation of Accruals", *Journal of Accounting and Economics*, 17(1), PP. 146-176.

- 25) Desender, K, Castro, C and EscamillazDe Leon, S, (2011), "Earnings Management and Cultural Values", *American Journal of Economics and Sociology*, 70 (3), PP. 640 – 670.
- 26) De Jong, A., Mertens, G., Van Der Poel, M., & Van Dijk, R. (2014), "How Does Earnings Management Influence Investor's Perceptions of Firm Value? Survey Evidence from Financial Analysts", *Review of Accounting Studies*, 19, PP. 606–627.
- 27) Dou, Y., Ryan, S. G., & Zou, Y. (2016), "The Effect of Credit Competition on Banks' Loan Loss Provisions", *Journal of Financial and Quantitative Analysis (JFQA)*. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2192586>. Forthcoming. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract2192586>.
- 28) El Diry' malek. (2018), "Introduction to Earnings Management", Springer.
- 29) Eighme; J. E., and Cashell, J. D. (2002), "Internal Auditors' Roles in Overcoming the Financial Reporting Crisis", *Internal Auditing*, 17(6), PP. 3-10.
- 30) Gunny, Katherine (2010), "The Relation between Earnings Management Using Real Activities Manipulation and Future Performance: Evidence from Meeting Earnings Benchmarks", *The Canadian Academic Accounting Association (CAAA)*, Vol. 27, No. 3.
- 31) Gavana. Giovanna. And Gottardo. Pietro. And Moisello Anna Maria (2019), "What form of Visibility Affects Earnings Management? Evidence from Italian Family and Non-family Firms", *Administrative sciences*. MdPI.
- 32) Graham, J. R., Harvey, C. R., & Rajgopal, S. (2005), "The Economic Implications of Corporate Financial Reporting", *Journal of Accounting and Economics*, 40, PP. 3–73.
- 33) Goldkuhl, G., & Cronholm, S. (2010), "Adding Theoretical Grounding to Grounded Theory: Toward Multi-Grounded Theory", *International Journal of Qualitative Methods*, 9(2), PP. 187-205.
- 34) Huang, Xuerong., sun, Li., (2017), "Managerial Ability and Real Earnings Management", *Advance of Accounting*, Vol. 39, PP. 91-104.
- 35) McVay, S. (2006), "Earnings Management Using Classification Shifting: An Examination of Core Earnings and Special Items", *The Accounting Review* 81, PP. 501–531.
- 36) Malikov, K, Suart. M, Coakley ,J, (2018), "Earnings Management
- 37) Using Classification Shifting of Revenues", *The British Accounting Review Elsevier*, Vol. 50, issue 3.
- 38) Muktiyanto, A, (2017), "The Effect of Corporate Strategy on Earnings Management", *Int. J. Trade and Global markets*, Vol.10, No. 1.
- 39) Naidu, D. and Patel, A. (2013), "A Comparison of Qualitative and Quantitative Methods of Detecting Earnings Management: Evidence from Two Fijian Private and Two Fijian State-owned Entities", *Australasian Accounting, Business and Finance Journal*, 7(1), PP. 79-98.
- 40) Paiva, Inna Sousa, Isabel Costa Lourenço, and Manuel Castelo Branco. (2016), "Earnings Management in Family Firms: Current State of Knowledge and

- Opportunities for Future Research”, Review of Accounting and Finance 15, PP. 85–100.
- 41) Roychowdhury, S. (2006), “Earnings Management through Real Activities Manipulation”, Journal of Accounting and Economics, 42 (3), PP. 335-370
 - 42) Ruiz. Cinthia Valle. (2016), “Literature Review of Earnings Management: Who, Why, When, How, and What for?”, Finnish Business Review, <http://urn.fi/urn:nbn:fi:jamk-issn-2341-9938-12>.
 - 43) Ronen, Joshua, and Varda L. Yaari. (2008), “Earnings Management Emerging Insights in Theory, Practice, and Research”, Springer Science Business Media, Inc., 233 Spring Street, New York, NY10013, USA.
 - 44) Strauss, Anselm L., & Corbin, Juliet (1998), “Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory”, 2nd Ed., Sage.
 - 45) Susanto, yulius kurnia & pradipta, arya, & Cecilia ellen (2019), “Earnings Management: ESOP and Corporate Governance”, Academy of Accounting and Financial Studies Journal, Vol. 23, Issue 1
 - 46) Scott, K. W., & Howell, D. (2008), “Clarifying Analysis and Interpretation in Grounded Theory: Using a Conditional Relationship Guide and Reflective Coding Matrix”, International Journal of Qualitative Methods, 7(2), PP 1-15.
 - 47) Wang. L. Florence. , G.R. , Hu E, Sun. Y. (2017), “Relationship between the Management Characteristics and Earnings Management in Chinese Listed Companies”, International Journal of Social Science and Humanity, Vol. 7, No. 2.
 - 48) Yu, M,D, (2014), “Accounting Standards and Earnings Management
 - 49) around the World”, Journal of international & Interdisciplinary business research.
 - 50) Zalata, Alaa Mansour., Ntim, Collins., Aboud, Ahmed· Ernest Gyapong. (2018), “Female CEOs and Core Earnings Quality: New Evidence on the Ethics Versus Risk-Aversion Puzzle”, Journal of Business Ethics

یادداشت‌ها

- ¹ El Diri
- ² Gavana et.al
- ³ Susanto & et. al
- ⁴ Chou & chan
- ⁵ Zalata
- ⁶ Huang & Sun
- ⁷ Goldkuhl & Cronholm
- ⁸ Alvarado& et al
- ⁹ Ruiz
- ¹⁰ Desender
- ¹¹ Muktiyanto
- ¹² YU
- ¹³ Dou & et al
- ¹⁴ Mc vay